

Pathology of working children in Kerman city: a phenomenological study

Alireza Sanatkshah

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Kerman Branch, Iran (Corresponding Author). E- mail: sanatkshah@iauk.ac.ir

Hanieh Anjem Shoa

Master's degree student, Department of Sociology, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

One of the social issues that large and small cities are witnessing today is the phenomenon of child labor. Children spend most of their lives in a difficult situation and on the streets. The main purpose of the research is to investigate the lived experience of child labors from street work and the injuries caused by it. The current research is a qualitative research based on the phenomenological method. The participants in the research were 20 children in the city of Kerman, who were selected using available sampling method (on the street). A semi-structured interview has been used as a data collection tool. In order to reach the criterion of reliability, two methods of analytical comparisons and the use of audit techniques have been used. The data have been analyzed according to the procedure based on the phenomenological method in three stages of open, selective and selective (central) coding. The findings show that, street children are deprived from the basic needs of life and are exposed to many social issues, including: insulting treatment, with children, physical abuse, not receiving emotional support that is the most important socio-psychological injuries of child labor, lack of financial ability for treatment and discrimination between patients are the most important issues and problems of medical services, unfavorable economic conditions of the family, family problems, lack of financial support and fear of an unknown future are the most important concerns of living in poverty for these children.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Child Labor, Afghaneh, Social Pathology.*

آسیب‌شناسی پدیده کودکان کار در شهر کرمان: یک مطالعه پدیدارشناختی

علیرضا صنعت‌خواه^۱

هانیه انجم‌شعاع^۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۳/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۸

چکیده

یکی از مسائل اجتماعی که امروزه شهرهای بزرگ و کوچک شاهد آن هستند، پدیده کودکان کار است. کودکانی اکثر اوقات زندگی خود را در وضعیتی دشوار و در خیابان‌ها می‌گذرانند. هدف اصلی پژوهش بررسی تجربه زیسته کودکان کار از کار خیابانی و آسیب‌های ناشی از آن است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی مبتنی بر روش پدیدارشناسی است. مشارکت کنندگان در پژوهش را ۲۰ نفر از کودکان کار در شهر کرمان تشکیل داده که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس (در خیابان) انتخاب شده‌اند. از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شده است. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو روش مقایسه‌های تحلیلی و استفاده از تکنیک ممیزی بهره گرفته شده است. داده‌ها بر طبق رویه مبتنی بر روش پدیدارشناختی در سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و گزینشی (محوری) تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کودکان خیابانی از نیازهای اولیه زندگی محروم و در معرض مسائل اجتماعی متعدد از جمله: برخورد توهین‌آمیز با کودکان، آزار و اذیت جسمانی، برخوردار نبودن از حمایت عاطفی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی- روانی کودکان کار، عدم توانایی مالی درمانی و تبعیض بین بیماران مهم‌ترین مسائل و مشکلات خدمات پزشکی، نامساعد بودن شرایط اقتصادی خانواده، مشکلات خانوادگی، نداشتن شخصی برای حمایت مالی و ترس از آینده‌ای نامعلوم از مهم‌ترین دغدغه‌های زندگی در فقر برای کودکان کار است.

واژگان کلیدی: کودکان کار، افاغنه، آسیب‌شناسی اجتماعی.

۱. استادیار و عضو گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: sanatkah@iauk.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع در جوامع انسانی، یکی از موضوعات مورد علاقه جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی است. در واقع صنعتی‌شدن و به دنبال آن رشد و توسعه شهرنشینی، سر منشأ تغییرات و تحولات فراوان و به تبع آن، بسیاری از معضلات و مشکلات در سطح جوامع بشری بوده است (۳۸). کودکان کار و خیابان نمونه بارز از این معضلات و از همین تغییرات ناشی می‌شوند و از طرف دیگر چند دهه‌ای است که مسئله کار کودکی و کودکان کار به یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی نیز بدل شده (۱۴)، و در بررسی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در زندگی شهری، پدیده کودکان کار، به عنوان مسئله‌ای اجتماعی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. چرا که این کودکان علی‌رغم سن کم در خیابان به مشاغل سطح پایین اشتغال داشته و انواع آسیب‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند (۲۳). طبق تعریف سازمان ملل، هر دختر و پسری که در خیابان در هر کجای دنیا برای او به مثابه خانه و محل زندگی است و مراقبت و نظارت کافی ندارند، کودکان کار محسوب می‌شوند (۴). یونیسف نیز سه دسته‌بندی از کودکان کار ارائه می‌کند. دسته اول کودکان در معرض خطر هستند که نزد خانواده خود زندگی می‌کنند؛ اما برای کمک به خانواده در خیابان کار می‌کنند. دسته دوم کودکان در خیابان^۱ هستند که ارتباطی با خانواده نداشته و در خیابان زندگی و کار می‌کنند (۱۶)، و دسته سوم کودکان طرد شده^۲ است که عبارت‌اند از: یتیم‌ها، فراری‌ها، مهاجران و دیگر کودکانی که هیچ گونه مراقب و سرپرست مشخصی ندارند و سبک زندگی کودکان کار را دارند (۴۴). آمارها در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، ۳۱۹ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد که از این تعداد ۱۹۳ میلیون آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند که اغلب برای کمترین دستمزد، سختی زیادی را تحمل می‌کنند و با خطرات و آسیب‌های گسترده‌ای نظیر سوء استفاده جنسی، فحشا و برخی کارهای غیرقانونی درگیر هستند (۱۱). درحالی‌که ۱۲ ژوئن / ۲۲ خرداد روز جهانی مبارزه با کار کودک نام‌گذاری شده است، همچنان ۱۶۰ میلیون کودک کار در سراسر جهان وجود دارد. در کشور ما نیز طبق آمارهای موجود ۷۰ هزار کودک کار (آمارهای غیررسمی حدود یک میلیون نفر را برآورد می‌کنند) زندگی می‌کنند که گفته می‌شود ۸۰ درصد آن‌ها اتباع بیگانه (اغلب افغانه) هستند (۳۸). پدیده کودکان کار با شرایط و تحولات ساختاری جامعه ایرانی مرتبط است و در دهه‌های اخیر به علل گوناگونی از جمله افزایش جمعیت (۳۸)، نارسایی نهادهای اجتماعی و فقر اقتصادی (۲۵)، مهاجرت (۲۷)، حاشیه نشینی (۲۹)، مسائل مرتبط با دولت و قانون‌گذاری (۴۴)، افزایش یافته است. در واقع کار کودکان، جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی در خور توجهی را در بر دارد، به طوری‌که مانع جدی افزایش مهارت‌ها، آموزش و دانش می‌شود و درآمدهای بیمه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه صدمه‌های جانی و مالی را بالا می‌برد (۳۸).

¹. Children on the Street

². Abandoned children

هر چند در نظام حقوقی- قضایی ایران، به موجب ماده ۷۹ قانون کار مصوب، ۱۳۶۹ به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام، ممنوع و به موجب مواد ۸۰ و ۸۴ قانون مذکور، به کار گماردن افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال منوط به انجام آزمایش‌های پزشکی توسط سازمان تأمین اجتماعی و زیان‌آور نبودن شغل موردنظر برای سلامت یا اخلاق نوجوان دانسته شده است و به رغم این که به موجب ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوان مصوب، ۱۳۹۹ بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوان علاوه بر مجازات‌های مقرر در قانون کار، مستوجب حبس تعزیری درجه شش دانسته شده است، هیچ یک از مقررات و ضمانت اجراهای مذکور نتوانسته است در عمل آن چنان که باید، موجبات پیشگیری یا کنترل از بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در قالب کار کودک را فراهم آورد. شاید علت عمده این پدیده را بتوان مواردی نظیر گستردگی، تنوع و تکثر گونه‌های کودکان کار، ماهیت خاص پدیده کودکان کار (چه به صورت پنهانی در قالب استفاده از این کودکان در مناطق خاص نظیر کارگاه‌های زیرزمینی و چه در قالب ماهیت مخفی سوء استفاده کنندگان از کودکان کار)، وجود رابطه خویشاوندی بین کودکان کار و سوء استفاده کنندگان از آن‌ها و ... دانست (۱۷).

در نگاهی کلی می‌توان گفت کودک خیابانی به کودکی گفته می‌شود که بخش بزرگی از اوقات زندگی و فعالیت او به نحوی با محیط خیابان، پارک و اماکن عمومی مرتبط است و عموماً در این فضاها به تنهایی و در حال فعالیت دیده می‌شود (۲۷).

مطالعات اندکی درباره وضعیت کودکان خیابانی شهر کرمان منتشر شده است. از جمله پژوهش نجف‌پور (۱۳۹۹)، درباره بررسی رابطه عوامل خانوادگی و غیرخانوادگی با کار و حضور کودکان در خیابان‌های شهر کرمان که نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد کودکان متعلق به خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی- اقتصادی ضعیف هستند. در این میان، حدود ۶۹ درصد پدران و ۷۶ درصد مادران بی‌سواد و ۳۹ درصد پدران بیکارند. بر این اساس، تحقیق پیشرو در تلاش است تا بر اساس بررسی تجربه زیسته کودکان کار خیابانی در شهر کرمان، به آسیب‌شناسی این پدیده بپردازد (۳۶). دلیل انتخاب شهر کرمان، موقعیت استراتژیک این شهر و نزدیکی آن به مراکز ترانزیت مواد مخدر و قاچاق انسان (اغلب افغانه) از مرزهای جنوبی کشور بوده که منجر به ایجاد وضعیت اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی ویژه‌ای برای شهر کرمان است.

علی‌رغم تلاش‌های ملی و بین‌المللی برای کاهش پدیده کار کودک، این معضل در بسیاری از مناطق ایران، از جمله شهر کرمان، همچنان به عنوان یک چالش جدی اجتماعی باقی مانده است. موقعیت جغرافیایی ویژه شهر کرمان، واقع در مسیرهای ترانزیت مواد مخدر و قاچاق انسان (به ویژه از مرزهای جنوبی)، منجر به ایجاد شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای شده است که بر شدت و ماهیت مسئله کودکان کار در شهر تأثیر گذاشته است. مطالعات پیشین عمدتاً بر عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر این پدیده متمرکز بوده‌اند و از رویکردهای کمی برای بررسی مسئله استفاده کرده‌اند. این رویکردها، در حالی که به برخی از ابعاد مسئله پرداخته‌اند، از ارائه درک عمیق و همه جانبه از تجارب زیسته کودکان کار در کرمان باز مانده‌اند.

نرخ بالای کودکان کار در کرمان ۳۰۰ کودک کار در شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ بوده است (۲۲). به همین علت آسیب‌پذیری بالای کودکان کار در کرمان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص شهر (نزدیکی به مراکز قاچاق) و پیامدهای منفی آن بر سلامت، آموزش و آینده این کودکان، خلأ پژوهشی در زمینه تجارب زیسته کودکان کار در کرمان با استفاده از روش پدیدارشناسی بوده است.

با توجه به این موضوع عمده‌ترین اهداف تحقیق بدین قرار است:

- آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات پیشروی کودکان کار در شهر کرمان
- درک معنایی و تفسیر کودکان کار از عوامل مؤثر بر کار خیابانی
- بررسی تجربه زیسته کودکان کار از پیامدهای کار در خیابان
- آسیب‌شناسی مسائل درمانی و خدمات بهداشتی و پزشکی پیشروی کودکان کار
- آسیب‌شناسی کار خیابانی به عنوان شروعی برای بزهکاری و جرم در آینده کودک.

مروری بر تحقیقات پیشین

اسدیپور و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی تحت عنوان «کاوش تجربه کودکان کار خیابانی شهر تهران از زیستن در روزگار بیماری همه‌گیر» نتایج در این تحقیق در مجموع ۱۱۴ مفهوم، ۱۶ مضمون فرعی و ۵ مضمون اصلی شامل نقض قرنطینه خانگی، تغییرات چند گانه، در هم ریختگی نظم اقتصادی، افزودگی و تجربه خشونت مضاعف از مصاحبه‌ها استخراج شد. بر این اساس در کنار افزایش شمار کودکان کار، از دست دادن شغل و گسترش فقر کودکان را به گونه‌ای به خیابان‌ها تبعید کرده که ناچاراندا علاوه بر تحمل مخاطرات بهداشتی، بی‌سامانی اقتصادی و تغییرات چند گانه در شغل خود را به جان خریده و انواع خشونت مضاعف در روابط خانوادگی، بین فردی و اجتماعی را تجربه کنند (۶).

اله‌وردی و همکاران (۱۴۰۳)، در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی الگوی پاسخ‌دهی حقوقی به پدیده کودکان کار در حقوق ایران و آمریکا» در بررسی سیر و تحولات تفننی و سیاست‌گذاری در این حوزه نشان می‌دهد که در مواجهه با این پدیده سه رویکرد کلی انکار مقابله و حمایت وجود داشته است. کار بسته این رویکردها در پاسخ‌دهی به پدیده کودکان کار در نظام‌های مختلف اجتماعی الگوهای پاسخ‌دهی قانونی و برنامه‌ها و طرح‌های مختلف را به بار آورده است. این بررسی نشان می‌دهد به رغم آن که هر دو کشور کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان را تأیید کردند اما اراده سیاست‌گذاران در این دو کشور برای اجرای این کنوانسیون‌ها و اتخاذ رویکرد حمایتی نسبت به کودکان کار به طور قابل توجه متفاوت است (۱۰).

سلاخ‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی تحت عنوان «مقایسه اثربخشی آموزش تنظیم هیجان و درمان شفقت‌محور بر نشانگان روان‌شناختی و رفتار خطرپذیر در کودکان کار» نتایج نشان داد که آموزش تنظیم هیجان و درمان شفقت‌محور بر نشانگان روان‌شناختی و رفتار خطر پیری مؤثر می‌باشد و در نتیجه این

مداخله‌ها می‌تواند باعث کاهش نشانگان روان‌شناختی و رفتار خطر پیری در کودکان کار گردند. به علاوه نتایج آزمون‌های تحقیقی نشان داد که آموزش تنظیم هیجان در مقایسه با درمان شفقت‌محور بر کاهش رفتار خطر پیری در کودکان کار اثرگذاری بیشتری داشته است (۴۵).

صمدی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی فاکتورهای تاثیرگذار در روند فعالیت کودکان کار در شهرستان ساری» در این پژوهش با به کارگیری آمار استنباطی رابطه متغیرهای ضعف انسجام اجتماعی، نابرابری طبقاتی و نابرابری دسترسی به خدمات عمومی و ضعف برنامه‌های حمایتی و گسیختگی هنجارهای اجتماعی و کودکان کار سنجیده شد. نتایج نشان داد که این متغیرهای ضعف انسجام اجتماعی، نابرابری طبقاتی و نابرابری دسترسی به خدمات عمومی و ضعف برنامه‌های حمایتی و گسیختگی هنجارهای اجتماعی با کودکان کار رابطه معناداری دارند (۴۶).

مهدور و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی تحت عنوان «اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش ناامیدی و اضطراب کودکان کار شهر یزد» نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داده که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به صورت معناداری موجب کاهش سطح ناامیدی و کاهش میزان اضطراب در کودکان کار می‌گردد (۳۱).

روشن‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، در ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان (مورد مطالعه: شهر خرم آباد) نشان می‌دهد که علاوه بر فقر به عنوان عامل اصلی، عواملی هم‌چون وضعیت نامطلوب اجتماعی - فرهنگی والدین (اعتیاد سرپرست خانواده، بیسوادی و کم سوادی والدین، نگاه ابرازی به فرزند توسط والدین، عدم مهارت و بیکاری سرپرست خانواده و حاشیه‌نشینی) نیز نقش مؤثری در خیابانی شدن کودکان دارند (۴۳).

آدونتنگ - کیسی^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «کار کودک در معادن صنایع دستی و کوچک: پیامدهایی برای سلامت، توسعه و فقر» بر اساس داده‌های کیفی از شمال شرقی گینه، یافته‌های ما اثرات نامطلوب فراگیر را بر سلامت جسمی، روانی و سلامت اندام هدف کودکان مبتلا نشان می‌دهد که به طور قابل توجهی کیفیت زندگی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. صدمات جسمی، پریشانی روانی و قرار گرفتن در معرض مواد سمی شایع است (۹).

بواتنگ^۲ و همکاران (۲۰۲۴)، در تحقیقی تحت عنوان «دادن و کشیده شدن به خیابان‌ها: دیدگاه کودکان خیابانی در آکرا، غنا» این مطالعه نشان داد که کودکان به دلیل عوامل مختلفی از جمله حمایت ناکافی خانواده، سوء استفاده، فروپاشی خانواده و فشار همسالان، تصمیم گرفتند برای بقا به زندگی خیابانی متوسل شوند (۱).

^۱. Adonteng- Kissi

^۲. Boateng

دسین^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، در تحقیقی تحت عنوان «نگرانی از وعده غذایی بعدی: تجارب ناامنی غذایی کودکان متصل به خیابان در اتیوپی» یافته‌های ما نشان می‌دهد که کودکانی که به خیابان متصل هستند، برای تأمین غذای کافی، ایمن و پایدار تلاش می‌کنند و با گرسنگی فراگیر مواجه می‌شوند. منابع و درآمد محدود آن‌ها چالش‌های غذایی آن‌ها را تشدید می‌کند. عدم دسترسی آن‌ها به غذا نه تنها نشان دهنده یک چالش بزرگ در زندگی روزمره آن‌هاست، بلکه در آسیب‌پذیری‌ها و ناملايمات مختلفی که با آن مواجه هستند نیز اهمیت دارد. علاوه بر این، گرسنگی مداوم آن‌ها توانایی آن‌ها را برای بهبود شرایط زندگی و خروج از زندگی خیابانی پیچیده می‌کند. در نتیجه، این مطالعه بر نیاز فوری به توجه متمرکز بر کاهش ناامنی غذایی در میان کودکان خیابانی، به ویژه در کشورهای کم درآمد، تأکید می‌کند (۱۲).

اوکار^۲ و همکاران (۲۰۲۴)، در تحقیقی تحت عنوان «جوانان در کار: بررسی رابطه بین موقعیت اجتماعی، سابقه کار کودکان و سلامت» یافته‌های تحقیق وضعیت اجتماعی پایین خانواده، سابقه کار کودکان و شرایط کاری ناایمن به عنوان پیش‌بینی کننده‌های مشترک خطرات سلامت جسمی و روانی ظاهر می‌شوند (۳۹).

چارچوب مفهومی

در نگاهی کلی می‌توان گفت کودک خیابانی به کودکی گفته می‌شود که بخش بزرگی از اوقات زندگی و فعالیت او به نحوی با محیط خیابان، پارک و اماکن عمومی مرتبط است و عموماً در این فضاها به تنهایی و در حال فعالیت دیده می‌شود (۲۷). برای درک واقع بینانه از مفهوم کودک خیابانی چهار ویژگی کودکان باید مورد توجه باشد: انگیزه و چگونگی حضور کودکان در خیابان، وضعیت و کنش‌های کودکان در خیابان، مدت زمان حضور کودکان در خیابان و طول مدت زندگی خیابانی، شیوه‌های سرپرستی، مراقبت و نظارت بر کودکان و میزان تماس و چگونگی پیوند کودکان با خانواده و نهادهای اجتماعی - حمایتی مرسوم (۱۷). از دیدگاه بیشتر پژوهشگران، علت خیابانی شدن کودکان آسیب‌ها و فقر خانواده است. پژوهش‌های متعددی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد روابط ناکارآمد فشارهای اقتصادی خانواده، نقش تعیین کننده در ترک کودکان از خانه دارد (۵۲).

یونیسف کودکان خیابانی را بر اساس وضعیت زندگی به چهار گروه تقسیم‌بندی کرده است:

(الف) کسانی که بدون خانه و خانواده‌اند و در خیابان زندگی می‌کنند.

(ب) کسانی که خانه و خانواده دارند؛ اما در گروه‌های کوچک زندگی می‌کنند و گاهی اوقات توسط گروه مرتبط حمایت می‌شود.

(ج) کسانی که در مراکز خاص نگهداری می‌شوند؛ اما پیش از این در وضعیت بی‌خانمان زندگی کرده‌اند و تهدید به بازگشت به وضعیت خاصی شده‌اند.

¹. Dessein

². Uçar (ترکی استانبولی)

د) کودکانی که در خانواده خود زندگی می‌کنند؛ اما به دلایل مختلف عمدتاً فقر شب‌ها و ساعات زیادی از روز را در خیابان‌ها می‌گذرانند (۵۶).

ادموند هوسرل^۱ بر اهمیت «جهان زیسته» به عنوان زمینه‌ای که تجربه در آن شکل می‌گیرد، تأکید دارد. جهان زیسته کودک خیابانی شامل خیابان، روابط با سایر کودکان، تعامل با بزرگسالان (حامیان، رهگذران، استثمارگران) و احساسات و ادراکاتی است که در این فضا تجربه می‌کند. ادموند هوسرل بنیان‌گذار پدیدارشناسی، با تأکید بر «جهان زیسته» و «قصدمندی» به ما کمک می‌کند تا تجربه کودک خیابانی را در بستر زندگی روزمره او و با توجه به اهداف و انگیزه‌هایش درک کنیم (۲۶). قصدمندی هوسرل هم‌چنین مفهوم «قصدمندی» را مطرح می‌کند که به معنای جهت‌گیری آگاهی به سوی یک موضوع است. هر تجربه کودک خیابانی (کارکردن، گدایی‌کردن، بازی‌کردن) دارای قصدمندی خاصی است. این قصدمندی‌ها نشان دهنده اهداف، نیازها و ارزش‌های کودک هستند. بررسی قصدمندی‌های کودکان خیابانی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم آن‌ها چگونه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند و چه چیزی برای‌شان مهم است (۲۶). موریس مرلو-پونتی^۲ با تأکید بر بدن‌مندی تجربه به ما یادآوری می‌کند که تجربه کودک خیابانی نه فقط ذهنی، بلکه جسمانی نیز هست. خیابان نه فقط یک فضا، بلکه یک محیط جسمانی است که کودک با آن در تعامل است (۳۲). مارتین هایدگر^۳ با تأکید بر «هستی در جهان» به ما کمک می‌کند تا کودک خیابانی را به عنوان یک موجود در نظر بگیریم که در خیابان زندگی می‌کند و با آن هویت دارد (۲۱: ۲۰). آلفرد شوترز^۴ با تأکید بر «درون ذهنیت» به ما نشان می‌دهد که تجربه کودک خیابانی نه فقط فردی، بلکه اجتماعی نیز هست و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (۴۷).

به نظر می‌رسد در ایجاد مسائل اجتماعی مانند کودکان خیابانی به طور کلی چهار عامل مؤثر وجود دارد: ۱. عوامل اقتصادی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، شکاف بزرگ در طبقات اجتماعی، توزیع ناعادلانه ثروت و بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند دلیل اصلی حضور بیشتر کودکان در خیابان فقر و عوامل اقتصادی است. بر این اساس علت اصلی حضور کودکان در خیابان انجام دادن کار و کسب و کار و درآمد است؛ زیرا خانواده درآمد مکفی برای تأمین زندگی روزمره خود را ندارد (۲).

۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی از جمله ترکیب ساختاری و رشد جمعیت مهاجرت جنگ تغییرات در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تفاوت.

۳. فاکتورهای خانوادگی شامل خانواده‌های گسترده پر جمعیت و پر خطر با زمینه اعتیاد، اطلاع نداشتن والدین از نیازهای مناسب آن‌ها و از دیدگاه بیشتر پژوهشگران علت خیابانی شدن کودکان آسیب‌ها و فقر خانواده است.

^۱. Edmund Husserl

^۲. Maurice Merleau-Ponty

^۳. Martin Heidegger

^۴. Schutz

۴. عوامل فردی یا زیست روحی از جمله ویژگی‌های شخصیتی کودکان توانایی ذهنی آن‌ها و توانایی‌های‌شان در مقابله با مشکلات زندگی و بحران بلوغ و آثار آن و ... است (۱۷). همه این کودکان ویژگی‌های مشترک زیر را با برخی تفاوت‌ها دارند: آن‌ها بیشتر وقت خود را در خیابان صرف می‌کنند. از حقوق اساسی خود یعنی تحصیل و بهداشت، تغذیه و امنیت محروم هستند و با توجه به حضور طولانی در خیابان با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند (۵۶).

رویکردهایی که به تبیین پدیده کودکان کار پرداخته‌اند، اغلب در سه حوزه جامعه‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی قابل دسته‌بندی است. دسته اول بنا بر رهیافت جامعه‌شناسی، نظریاتی هم‌چون نظریه آنومی مرتون و نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است که عوامل ساختاری را مانع انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار جامعه می‌داند (۲۴). بر طبق این دسته نظریات می‌توان فرض کرد که شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی یا کودکان کار خیابانی، انعکاسی از شرایط زندگی اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی اقشار طبقات پایین و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی، با شرایط موجود منطبق شوند (۳۷). در این تحقیق کودکانی کرمانی که تجربه زندگی در خیابان دارند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در حقیقت این رویکرد بیشتر به جنبه‌های آسیب‌زایی و قانون‌شکنی‌های این کودکان و ارتباط آن‌ها با بزهکاری پرداخته و کمتر به پیامدهای کار و زندگی آن‌ها در خیابان توجه نشان داده است. علاوه بر نظریات ذکر شده، در تحقیقات متعددی نیز به شناسایی و تبیین مسائل کودکان کار پرداخته شده است. نکته حائز اهمیت آن که علی‌رغم تحقیقات متعددی که با موضوع کودکان کار موجود است، با این حال به ندرت محققین ملاحظات جنسیتی را در این امر در نظر داشته و از کودکان کار و شرایط زندگی و تجربه زیسته آن‌ها غفلت شده و تحقیقات اندکی بدان پرداخته است. بدین علت در ادامه پژوهش‌های انجام شده با موضوع کودکان کار و نه صرفاً دختران کار بلکه پسران کار مورد بررسی قرار گرفته است.

چارچوب نظری

با مرور منابع مختلف درباره کودکان خیابانی و جمع‌بندی آن‌ها، می‌توان گفت چند دیدگاه نظری برای تبیین پدیده کودکان خیابانی مطرح شده است. در ادامه به برخی از پر تکرارترین آن‌ها در مقالات مورد بررسی اشاره می‌شود. از بین نظریه‌های مطرح شده درباره مسائل اجتماعی، رهیافت آسیب‌شناسی اجتماعی به دلایلی چند نمی‌تواند ریشه‌های پیدایش کودکان خیابانی را به خوبی تبیین نماید. تئوری‌ها و پیش-فرض‌های این رهیافت، پدیده کودکان خیابانی را یک آسیب و بیماری اجتماعی تلقی می‌کنند و در تبیین آن به رفتارها، ویژگی‌ها و شرایط جسمانی روانی و اجتماعی کودکان و خانواده‌های آن‌ها توجه دارند. فرضیه‌هایی که کودکان خیابانی را بی‌سرپرست یا رها شده یا دارای نقایص جسمی و روانی می‌دانند و یا آن‌ها را بزهکار تلقی می‌کنند، به این رهیافت تعلق دارند. تحقیقات انجام شده موسوی در هفته‌نامه بهزیستی و قادری در ماه‌نامه مددکاری اجتماعی (۲۵)، تا حدودی عدم کفایت رهیافت را آشکار کرده است.

رویکردهای سه‌گانه اصلی آسیب‌شناسی اجتماعی هر کدام از نظرگاه خود به مسئله کار کودک نگریسته-

اند:

سیگل^۱ (۲۰۱۷)، اظهار می‌کند که بر اساس این رویکرد، نابرابری اقتصادی دائماً اعضای طبقه محروم و فرزندان آنان را طی دوره‌های زندگی‌شان با مشکل مواجه می‌کند. شرایط زندگی ناامید کننده از دسترسی آنان به توسعه مهارت‌ها، عادات و سبک زندگی جلوگیری می‌کند. یکی از مفاهیم محوری این نگاه، بی-سازمانی اجتماعی است که می‌تواند مولد آسیب‌های اجتماعی باشد (۵۳). در کارکردگرایی ساختی، پیدایش مسئله کار کودک ناشی از اختلال در کارکرد خرده نظام‌های اجتماعی از جمله در حوزه خانواده و اقتصاد است. این رویکرد در بررسی آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به از هم گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نظریه بر واحدهای تحلیل بزرگ‌تری مانند ساختارها، خرده نظام‌ها، گروه‌ها و یا طبقات اجتماعی متمرکز می‌شود. فرض این رویکرد بر این است که کار کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر هست (۲۵: ۴۰).

نظریه استرس اجتماعی رویکرد دیگری که مرتبط با رفتارهای پر خطر نوجوانان است و برای توضیح احتمال مصرف مواد مطرح شده است، مدل استرس اجتماعی، جان رودز^۲ است. این مدل، عامل استرس، دلبستگی‌ها، مهارت‌های سازگاری و منابع مشخص خطر برای مصرف مواد را توضیح می‌دهد. طبق این مدل، احتمال مصرف مواد توسط یک نوجوان و جوان به عنوان تابعی از سطح استرس در نظر گرفته می‌شود. استرس می‌تواند مرتبط با مشکلات زندگی روزمره، تا یک بیماری مزمن یا مرگ یکی از والدین باشد. مصرف مواد به عنوان یک رفتار پر خطر، ممکن است به عنوان روشی برای فرار یا فاصله گرفتن شخص از خود در اثر تعارض مداوم ایجاد شود. از سوی دیگر این مورد می‌تواند خشم و ناامیدی در اثر استرس روزمره را نشان دهد. نظریه فرهنگ فقر با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی با این پیش‌فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر نوعی شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی اجتماعی نظیر گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از افراد آن است (۳).

نظریه آنومی خانواده ویلیام گود^۳ با استعانت از مفهوم آنومی و تأمین آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده ساختار خانواده و سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت و شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت کجرو و پیدایش مسائل اجتماعی دخیل می‌داند (۳۵). از این رو از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده عدم ایفای نقش، نقش‌های خانوادگی احساس ناامنی در محیط خانواده

1. Siegel

2. John Rhodes

3. William Goode

به دلیل مشاهده رفتارهای چون بدخلقی ملامت سرزنش از سوی والدین و غیره زمینه‌ساز جدا ماندن کودکان از محیط خانواده و برگزیدن خیابان به عنوان یکی از منابع تأمین نیازهای معیشتی ایشان می‌گردد و آنان را به تلاش برای کسب روزی در محیط بیرون خانواده مجبور می‌نمایند و پس از چندی این کودکان خیابان را به عنوان سبک زندگی خود انتخاب می‌کنند (۵). نظریه فرهنگ فقر این نظریه، دارای چهار فرضیه اساسی است: فرضیه نخست به بی‌سرپرستی یا رهاشدگی این کودکان توسط خانواده‌های‌شان اشاره دارد. فرضیه دوم کودکان خیابانی را به فقر مربوط می‌داند و نتیجه فقر را رهاشدگی منفعلانه می‌داند. فرضیه سوم کودکان خیابان را حاصل مهاجرت از روستا به شهر، فقر و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده می‌داند. نتیجه این شرایط و عوامل، فراموش شدگی و به حال خود گذاشتن کودکان به شکل منفعلانه است. در حالت پیچیده‌تر در این فرضیه، کودکان خیابانی می‌توانند نتیجه به حاشیه رانده شدن کودکان از خانواده‌های به حاشیه رانده شده باشند. فرضیه چهارم کودکان خیابانی را برخاسته از خرده فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف می‌داند. فرض اساسی این دیدگاه این است که گریزناپذیر بودن خیابان، پیامد فقر و راهبردهای نامناسب برای برآورد کردن نیازها و خودتخریبی است که در فرهنگ فقر خلاصه شده است. لوئیس، فرهنگ فقر با ویژگی‌هایی چون؛ تقدیرگرایی، درماندگی، وابستگی و خودکم‌بینی مشخص می‌شود (۳).

روش‌شناسی

رویکرد پژوهش حاضر کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی بوده که فنون آن مصاحبه و مستندکاوی است و به تبیین پدیده فهم و تجربه زیسته کودکان کار از کار خیابانی برای تشخیص احتمال آسیب‌های وارد شده به آن‌ها می‌پردازد، در پژوهش حاضر که با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند با کودکان کار در شهر کرمان انجام شده، تلاش گردید تا مؤلفه‌های احتمال آسیب‌های که به آن‌ها وارد شده است، شناسایی و بازنمایی گردد.

در این پژوهش به منظور فهم عمیق تجربه مشارکت کنندگان، از رویکرد تفسیری استفاده می‌شود در رویکرد تفسیری نیز روش پژوهش پدیدارشناسی تفسیری (هرمنوتیک) مطرح شده توسط هایدگر^۱ (۱۹۶۲)، به دلیل تناسب با هدف پژوهش انتخاب شده است. ضرورت به کارگیری پدیدارشناسی تفسیری از این نظر است که در رویکرد تفسیری اصل بر این است که پژوهشگر و مشارکت کننده فهم و درکی از قبل نسبت به موضوع مورد بررسی دارند که نمی‌توان آن را از مشاهده و تفسیر پدید جدا کرد و این بستر که در آن قرار دارند باعث می‌شود که همواره از دیدگاه خود به تفسیر داده‌ها بپردازد. در پدیدارشناسی، شیوه تجربه و آن چه افراد تجربه می‌کنند، ارائه می‌شود. پژوهشگر کیفی در سنت پدیدارشناسی، به دنبال جمع‌آوری

¹. Heidegger

اطلاعات از افرادی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند (تجربه زیسته) تا بتواند بر اساس آن اطلاعات و از دید افراد به توصیف مرکبی از ماهیت آن تجربه برسد (۲۸). نمونه تحقیق ۲۰ نفر از کودکان کار است که با روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند و ملاک انتخاب نمونه مشاهده کودکان کار در خیابان بوده است. پژوهشگر با مشوق‌های مادی (غذا، لباس و یا مبلغی پول) کودکان را تشویق به شرکت در مصاحبه نمود و مصاحبه‌ها با رضایت آن‌ها انجام شد.

تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها شروع شد. به عبارتی همزمان با انجام اولین مصاحبه، کار تحلیل داده‌ها آغاز گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش دیکلمان^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، که فرایندی هفت مرحله‌ای و مبتنی بر این نوع پدیدارشناسی است و ماهیتی تیمی دارد به ترتیب مراحل ذیل استفاده شد: در مرحله اول؛ بعد از انجام هر مصاحبه، متن ضبط شده به همراه یادداشت‌های در عرصه، بر روی کاغذ دستنویس می‌شد. سپس این متن‌ها تایپ کامپیوتری می‌گردید و چندین بار مرور می‌شد تا درک کلی از آن حاصل گردد. در مرحله دوم؛ برای هر یک از متون مصاحبه یک خلاصه تفسیری نوشته می‌شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در مصاحبه‌ها اقدام می‌گردید. در مرحله سوم؛ پژوهشگر با کمک اعضای تیم تحقیق درباره واحدهای معنایی استخراج شده و درون‌مایه‌های آن‌ها به تبادل نظر می‌پرداخت. این معانی در حقیقت همان بیان ساده شرکت‌کننده نبود، بلکه فضای مصاحبه و چگونگی پاسخ فرد به سؤالات را نیز در بر می‌گرفت. در مرحله چهارم؛ به منظور تبیین و رفع هر گونه عدم توافق و تناقضات موجود در تفاسیر، فرایند برگشت به متون و گاهی مراجعه به شرکت‌کنندگان، به صورت رفت و برگشت مکرر انجام می‌گردید (دور یا چرخه هرمنوتیک). در مرحله پنجم؛ با ادغام خلاصه‌های تفسیری و واحدهای معنایی مشابه، تحلیل ترکیبی و کلی‌تر شکل گرفت و با دسته‌بندی واحدهای معنایی مشابه، زیر مضمون‌ها و مضمون‌های اصلی شکل گرفتند. در مرحله ششم؛ یک تفسیر پایانی یا بیانی ساختاری که بیانگر پیوند و ارتباط میان زیر مضامین و مضمون‌های استحصال شده هست، نوشته شد (بالاترین سطح تحلیل هرمنوتیک). در نهایت، در مرحله هفتم؛ نسخه‌ای پیش‌نویس از مضامین و زیر مضامین و منتخبی از متن مصاحبه‌ها در اختیار افراد تیم تحقیق و یک نفر ناظر خارجی آشنا به پژوهش پدیدارشناسی، قرار گرفت و نظرات و پیشنهادها در آن در نسخه پایانی گزارش طرح، لحاظ گردید (۱۳). با توجه به ماهیت روش کیفی تحقیق و در نظر گرفتن این نکته که کدگذاری مهم‌ترین روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها در پدیدارشناختی است، در پژوهش، فرایند کدگذاری با استفاده از روش کدگذاری باز در وهله اول آغاز می‌شود. با ظاهر شدن مفاهیم حاصل از کدگذاری خط به خط داده‌های پژوهش، نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد که با استفاده از آن مفاهیم به دست آمده در جریان کدگذاری باز، به زیر مقوله‌های مربوط به داده‌ها پیوند داده شدند و در ادامه زیر مقولات به مقولات عمده مرتبط شدند. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله هسته انتخاب شد و با استفاده از تکنیک داستان‌پردازی به طور منظم با سایر مقوله‌ها پیوند داده شد.

^۱. Diekelmann

در خصوص اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی این موضوع، ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش‌های کیفی است. به اعتقاد (۱۵)، یکی از روش‌های افزایش اعتبار، "باورپذیری کردن گزینشی است". منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل قول‌هایی قابل قبول که در پژوهش حاضر، موارد متعددی از آن‌ها به منظور باورپذیر کردن یافته‌های پژوهش بیان شده است (۷). علاوه بر آن برای رسیدن به اعتبار پژوهش از دو فن رایج و مرسوم (۴۸)، استفاده شده که بدین قرارند:

اول) استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه، چند متخصص (دو نفر دکتری جامعه‌شناسی و یک نفر دکترای روان‌شناسی) بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. هم‌چنین در تحقیق پیشرو، به منظور سنجش روایی از تکنیک مقایسه‌های تحلیلی بهره گرفته شده است. دوم) مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد. مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش در جدول (۱) ذکر شده است.

جدول شماره (۱): مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	سن	جنسیت	تحصیلات	ملیت	تعداد اعضای خانواده	شغل	درآمد ماهیانه	ساعت کاری	محل سکونت
۱	۱۴	مرد	پنجم	افغانی	۹ نفر	شاگرد سرفروشی	یک میلیون هشتصد	۷/۵ صبح تا ۱۰/۵	سادات خوشرو
۲	۱۴	مرد	پنجم	افغانی	۷ نفر	لیس‌فروشی	دو میلیون	۹ صبح تا ۹ شب	میدان مشتاق
۳	۱۱	زن	دوم	افغانی	۶ نفر	دست‌فروشی	سه میلیون	۹ صبح تا ۱۰ شب	بلوار فیروزی
۴	۱۳	مرد	ششم	افغانی	۶ نفر	شاگرد ساعت‌فروشی	پنج میلیون	۴ تا ۹/۵ ۱۰ تا ۴/۵	۱۷ شهپور
۵	۸	زن	اول	افغانی	۵ نفر	ترازو	نمی‌دانست	۴ تا ۱۰ ۸ تا ۳	داخل بازار مس‌گرا میدان ارگ
۶	۱۳	مرد	اول	افغانی	۶ نفر	جلبجایی بار			میدان مشتاق
۷	۱۰	زن	ششم	افغانی	۷ نفر	شاگرد مواد غذایی			میدان مشتاق
۸	۱۰	مرد	دوم	افغانی	۱۰ نفر	شاگرد ترابولین پارک	سه میلیون	۵ عصر تا ۱۲ شب	اسپاد
۹	۱۰	زن	دوم	افغانی	۵ نفر	دست‌فروشی	پانصد تومان	۴ تا ۸ ۸ تا ۳/۵	گلستان سرباز
۱۰	۱۳	مرد	اول	افغانی	۱۰ نفر	شاگرد صافکاری	صد یا دویست تومان	۳ تا ۸ ۸ تا ۴/۵	چهارراه بهار
۱۱	۱۶	مرد	اول	افغانی	۷ نفر	گنج‌کاری و ضایعات جمع‌کنی	سه تا چهار میلیون	۵/۵ تا ۸/۵ عصر	سی‌تری
۱۲	۸	زن	پنجم	افغانی	۷ نفر	زباله جمع‌کن	۲ میلیون	صبح و عصر	خیام
۱۳	۹	زن	هیجی	افغانی	۱۱ نفر	ضایعات جمع‌کنی	یک میلیون و پانصد هزار	۹ صبح تا ۶ عصر	اسپاد شمالی
۱۴	۱۴	مرد	هیجی	افغانی	۱۴ نفر	گنج‌کاری و ضایعات جمع‌کنی	سه تا چهار میلیون	۸ صبح تا ۵/۵ عصر	سرسبیل
۱۵	۱۵	مرد	سوم	افغانی	۹ نفر	ضایعات جمع‌کنی	سه تا شش میلیون	۷ صبح تا ۱۲ ۶ تا ۳ عصر	پروین اختصاصی
۱۶	۱۴	مرد	سوم	افغانی	۶ نفر	ضایعات جمع‌کنی	سه تا چهار میلیون	۷ صبح تا ۱۲ ۶ تا ۳ عصر	گل دشت
۱۷	۱۳	مرد	چهارم	افغانی	۱۱ نفر	شاگرد میوه‌فروشی	سه میلیون	۸ صبح تا ۱۱ شب	گوره
۱۸	۱۷	مرد	هشتم	افغانی	۹ نفر	شاگرد میوه‌فروشی	پنج میلیون	۸ صبح تا ۱۱ شب	الله‌آباد
۱۹	۱۲	مرد	هیجی	افغانی	۶ نفر	شاگرد سوپرمارکت	یک میلیون و پانصد	۷ صبح تا ۲ ۴/۵ عصر تا ۱۱ شب	بوخاند
۲۰	۱۳	زن	چهارم	ایرانی	۴ نفر	دست‌فروشی	سه میلیون و پانصد	۸/۵ صبح تا ۱ ۴ عصر تا ۹ شب	پارادیس

یافته‌های پژوهش

یکی از مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است وضعیت خانوادگی کودکان کار بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا وضعیت خانوادگی خود را شرح دهند.

جدول شماره (۲): وضعیت خانوادگی کودک کار

وضعیت خانوادگی	فراوانی	درصد فراوانی
در قید حیات بودن هر دو والدین	۱۳	۶۵
فوت هر دو والدین	۲	۱۰
فوت پدر	۴	۲۰
فوت مادر		
ازدواج مجدد والدین	۱	۵

جدول شماره (۳): سابقه جرم و زندان اعضای خانواده کودک

سابقه جرم و زندان	فراوانی	درصد فراوانی
داشتن سابقه جرم و زندان	۸	۴۰
نداشتن سابقه جرم و زندان	۱۲	۶۰

همان طور که از داده‌های جدول (۲) و (۳) مشخص است بیشتر کودکان با والدین (پدر و مادر) زندگی می‌کنند (۶۵ درصد) و در واقع کار خیابانی به منظور کمک به خانواده در خصوص گریز از مسائل اقتصادی صورت می‌گیرد ولی متأسفانه ۴۰ درصد از این کودکان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که والدین یا یکی از اعضای خانواده دارای سابقه جرم و زندان هستند.

از کودکان سؤال پرسیده شد که به چه علت در خیابان هستند؟ یا به بیان دیگر علت حضورشان در خیابان به عنوان کودک کار چیست؟ بر اساس پاسخ‌های ارائه شده مقوله اصلی دغدغه‌های زندگی در فقر که با زیر مقولاتی از جمله: نامساعد بودن شرایط اقتصادی در خانواده، مشکلات خانوادگی کودک، نداشتن شخصی برای حمایت مالی و ترس از آینده‌ای نامعلوم مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حضور ایشان در خیابان است. دیگر موارد مطروحه در جدول (۴) مشخص است.

جدول شماره (۴): شرایط سبب ساز موثر بر پدیده کودکان کار

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- اجبار به کار در خیابان	فشار اقتصادی بر خانواده	احساس ناامنی و اضطراب در کودک
- تحت فشار قرار گرفتن کودک از سمت خانواده برای کار کردن		
- مهاجرت به ایران و مشکلات اقتصادی		
- فقر شدید در خانواده		
- گرسنگی و بی پولی	بحران های درون خانواده	
- تعداد زیاد فرزندان و فقر خانواده		
- حضور نداشتن پدر و مادر در زندگی کودک		
- فوت پدر و مشکلات اقتصادی		
- اعتیاد پدر و زندان رفتن	بحران های درون خانواده	
- بیماری پدر خانواده و مجبور بودن به کار کردن برای خرجی زندگی		
- اجبار پدر به دلیل نداشتن پول		
- مشکلات مهاجرت		
- احتیاج داشتن به پول	انزوای اجتماعی و مالی	
- برای به دست آوردن پول و خرید کردن برای خانه مشغول به کار شده		
- کمک نکردن هیچ یک از فامیل های نزدیک		
- کار کردن همه برادران خانواده کودک برای گذراندن زندگی خانواده		
- بد بودن شرایط اقتصادی و مجبور بودن کودک برای کار کردن	دغدغه های فردی کودک	
- کمک به پدر خانواده		
- کار کردن کودک برای خودش و آینده خود		
- ترس از آینده کودک به دلیل نداشتن پدر و مادر		
- داشتن فکر این که اگر کار نکند کسی او را نمی خواهد	دغدغه های فردی کودک	
- تابستان ها کار کردن و زمستان ها درس خواندن		

کودک کار (ش ۳) می گوید: "بزرگ ترین بچه خانواده بودن مرا مجبور به کار در خیابان کرده"، کودک (ش ۵) می گوید "اوایل دوست داشتم کار کنم؛ ولی الان نه ... مجبور هستم!"، کودک (ش ۹) می گوید "من هیچ کسی را در زندگی ندارم مجبورم که کار کنم"، کودک (ش ۵) "به دلیل فوت پدرم مجبور شده ام کار کنم"، کودک (ش ۱۱) "پدرم معتاد است و ما را مجبور می کند که کار کنیم"، کودک (ش ۱۰) می گوید "تهدید جانی پدر و عمویم در افغانستان توسط طالبان، مجبورم که کار کنم" کودک (ش ۴) می گوید "من از ۵ سالگی مشغول به کار شدم سال های اولی که پدرم فوت شده بود عموم به ما کمک می کرد فقط سال های اولی، بعدش دیگر من از ۶ سالگی خودم مشغول به کار شدم مجبور شدم کار کنم؛ چون خرجی خانه مانده بود اول هم دستفروشی کردم وقتی که شروع به کار کردم عطر و جوراب می فروختم، الان ۶ سال هست که در ساعت فروشی هستم، جوراب فروختم، واکس فروختم، عطر فروختم، بوگیر ماشین فروختم، بیشتر در مغازه ها می فروختم"

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده این است که آن‌ها چه توقعی از زندگی دارند؟ یا به بیان دیگر حداقل توقع آن‌ها در زندگی (امیدها و آرزوها) چیست؟ اکثر کودکان زندگی خودشان را بی‌هدف می‌بینند و اصولاً نمی‌دانند چه چیزی برای زندگی مطلوب است. این سخن که "آرزویی در زندگی ندارند"، دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد. کودک (ش ۲) می‌گوید: "امیدی به بهتر شدن زندگی ندارم"، کودک (ش ۴) به "وقت نداشتن برای فکر کردن به دلیل کار همیشگی" اشاره دارد و کودک (ش ۶) می‌گوید "آرزوی بزرگم این است که در این دنیا نباشم"، کودک (ش ۸) "فکر کردن به خودکشی اما انجام ندادن آن به دلیل دلبستگی زیاد به دوستان" اشاره دارد. آرزوهای کودکان ۷-۱۴-۱۲-۹ به ترتیب "آینده بهتر، داشتن شغل بهتر"، "تنها راه خوشبختی راه‌اندازی کار با دوستان و برادر صمیمی"، "رفتن به یک کشور دیگر (پیشرفته) و ساکن شدن پیش عموهای خود در خارج از کشور"، "هر انسانی دوست دارد زندگی خوب داشته باشد پدرت و مادرت کنارت باشند". همان طور که از پاسخ‌ها مشخص است، دغدغه و آرزوی آن‌ها در شغلی بهتر با درآمد بالاتر خلاصه می‌شود. آن‌ها خود را نه به عنوان کودک بلکه به عنوان بزرگسالی می‌بینند که باید توان برآوردن نیازهای اقتصادی خانواده را داشته باشند، انگار که کار کردن در خارج از خانه نه به عنوان کار بلکه به عنوان جزئی اساسی از زندگی آن‌ها برای‌شان معنا دارد. دیگر پاسخ‌های مطروحه در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول (۵): امیدها و آرزوهای کودکان کار در زندگی

محدودیت‌ها و آرزوهای دست نیافتنی محرومیت از حقوق و آرزوهای کودکی	- آرزوی کودک به وقت گذراندن با دوستان خود
	- آرزوی به انجام کار پاره وقت برای محیا بودن شرایط تحصیل
کودکی سخت و طاقت‌فرسا	- آرزوی کودک به ادامه تحصیل به جای کار کردن
	- بی‌انگیزگی در ادامه تحصیل به دلیل وقت نداشتن
	- نداشتن فرصت استراحت به دلیل کار همیشگی
	- لذت نبردن از زندگی کودکانه
	- دستفروشی
	- عوض کردن دائمی شغل
	- طاقت‌فرسا بودن کار برای کودک (از قبیل: صافکاری، آجرپزی، مکانیکی و ...)

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است سلامتی کودک کار بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند که آیا به بیماری خاصی مبتلا هستند. ۱۱ نفر از ۲۰ نفری که مورد مصاحبه قرار گرفتند به این موضوع اشاره داشتند که هیچ گونه بیماری خاصی ندارند؛ اما متأسفانه ۹ نفر دیگر، اظهار داشته‌اند که از بیماری‌های زمینه‌ای (از جمله: ضعف عضلانی، بیماری‌های گوارشی، نقص عضو، معلولیت و ...) رنج می‌برند. به همین علت در خصوص شرایط استفاده و کیفیت برخورداری از خدمات درمانی و پزشکی از آن‌ها سؤال پرسیده شده است. عدم حمایت‌های بیمه درمانی از کودکان کار به عنوان مقوله اصلی که با زیر مقولاتی از جمله: نداشتن توانایی مالی برای ادامه

درمان و تبعیض بین بیماران مشخص می‌شود. مهم‌ترین مسائل و مشکلات کودکان کار را در خصوص بهره‌مندی از خدمات درمانی مشخص می‌کند.

جدول (۶): آسیب‌شناسی استفاده کودکان از خدمات درمانی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- بالا بودن هزینه‌های درمانی به دلیل نداشتن بیمه	عدم توانایی مالی درمانی	موانع دسترسی به خدمات درمانی
- نرفتن به دکتر و استفاده نکردن از خدمات درمانی به دلیل بالا بودن هزینه‌های پزشکی		
- ادامه ندادن درمان به دلیل نداشتن پول		
- بالا بودن هزینه‌های درمانی		
- فرار کردن از بیمارستان به دلیل بالا بودن هزینه‌ای بیمارستان		
- عدم دریافت خدمات درمانی در جراحی شدید	تبعیض و نابرابری در مراقبت‌های پزشکی	
- پانسمان کردن زخم‌ها در خانه		
- بد برخورد کردن پرستاران و دکترها با آن‌ها به دلیل افغانی بودن		
- تبعیض گذاشتن دکترها بین ایرانی‌ها و افغانی‌ها		
- برتر دانستن ایرانی‌ها نسبت به افغانی‌ها		
- رسیدگی نکردن پزشکان و پرستاران در بیمارستان‌ها به ما به دلیل افغانی بودن ما	محدودیت‌های سیستم بهداشت و درمان	
- عدم ویزیت مطلوب توسط پزشک		
- جابجا کردن مریض از بیمارستان به دلیل رسیدگی نکردن به بیمار		
- دیدن آسیب‌های جدی و پذیرش نشدن در بیمارستان		
- لزوم داشتن همراه ایرانی برای پذیرش بیمار در بیمارستان		

عدم حمایت‌های بیمه‌ای از کودکان کار به عنوان مقوله اصلی که با زیر مقولاتی از جمله عدم توانایی مالی درمانی و تبعیض بین بیماران مشخص می‌شود را می‌توان مهم‌ترین آسیب در خصوص بهره‌مندی کودکان کار از خدمات درمانی عنوان کرد. اکثر کودکان کار را در شهر کرمان افغانه تشکیل می‌دهند که از ابتدایی‌ترین خدمات به دلیل نداشتن مدارک اقامتی محروم هستند. کودک (ش ۱) می‌گوید "ما که بیمه نداریم، از نظر مالی برای دکتر رفتن با مشکل مواجه می‌شویم، چون که خیلی پول باید بدهیم و گر نه برخورد خوبی با ما دارند"، کودک (ش ۲) می‌گوید "ما خیلی دکتر نمی‌رویم؛ چون که باید هزینه بسیار زیادی بدهیم و برخورد بعضی از دکترها با ما خوب نیست. چون که ما افغانی هستیم، مثلاً به ما می‌گویند که شما افغانی‌ها آمدین ایران کشور ما زندگی می‌کنید پر رو شده‌اید، ولی ما هم آدم هستیم" کودک (ش ۹) می‌گوید "مثلاً یک روز مامانم حالش خوب نبود، به بیمارستان بردیمش اما حاضر نشدند به ما خدمات بدهند، مجبور شدیم مادرم را جابجا کنیم".

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است، آسیب‌های اجتماعی و روانی کودکان کار در محیط خیابان بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند برخورد عابران پیاده، صاحب کار آن‌ها، اراذل و اوباش و ... با آن‌ها چگونه بوده و مهم‌ترین آسیب‌های

اجتماعی و روانی را که تجربه نموده‌اند را شرح دهند. همان طور که از جدول (۷) مشخص است، آسیب‌های مطروحه به عنوان مقوله اصلی با زیر مقولاتی از جمله: برخورد توهین‌آمیز با کودکان، آزار و اذیت جسمانی و برخوردار نبودن از حمایت عاطفی همراه بوده است.

جدول (۷): آسیب‌های اجتماعی و روانی کار در خیابان

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
- بی‌ارزش دانستن کودک در خیابان - محیط کاری نامناسب - نگاه کردن به عنوان یک شاگرد - رفتار توهین‌آمیز صاحب کار - فحاشی به کودک در خیابان و محیط کار - شنیدن کلمه دزد از عابران پیاده - برخورد نامناسب و توهین‌آمیز با کودکان ضایعات جمع‌کن - ناراحت شدن از مقایسه شدن کودک کار با دیگر کودکان - نداشتن برخورد خوب صاحب کار با کودک مثل داد کشیدن سر کودک	تحقیر و بی‌احترامی به کودک	
- آزار بدنی در خیابان از قبیل کتک زدن در خیابان و محیط کار - آزار دادن کودک به دلیل سن کم مانند زیرپا زدن و ... - تهدید کردن کودک توسط عابران - تهدید جانی کودک توسط سارقین و ... - اذیت کردن کودک و مجبور کردن او به ضایعات جمع‌کردن - کتک زدن کودکان توسط عابران پیاده - آزار دیدن کودک از سمت برخی مأموران شهرداری - اذیت و آزار کودکان توسط اراذل و اوباش - گرفتن پول از کودکان، کتک زدن کودکان، فحش دادن به کودکان و ... توسط اراذل و اوباش - از دست دادن عزیزترین فرد در زندگی (والدین) - نداشتن خانواده و خانه مشخص به دلیل فوت پدر و مادر - ندیدن محبت به دلیل فوت هر دوی والدین - کمبود محبت عاطفی به خاطر نداشتن پدر و مادر - زندگی کردن با خواهران و برادران به دلیل فوت والدین	خشونت فیزیکی و آزار جسمانی	آسیب‌های اجتماعی و روانی کودکان کار
	کمبود عاطفه و نبود سرپرست	

کودک کار (ش ۱) می‌گوید: "برخورد بد عابران پیاده (فحش دادن، دعوا کردن، متلک انداختن و کتک زدن ...) همیشه وجود دارد و مرا آزار می‌دهد"، کودک (ش ۳) می‌گوید "شنیدن جملات توهین‌آمیز مانند افغانی‌های کثافت و ... توهین کردن و دادن فحش‌های زشت به کودک توسط عابران پیاده همیشه وجود دارد"، کودک (ش ۹) می‌گوید "یادم می‌آید که یکی زد توی گوشم و یکی هم فحش داد که چرا تخم مرغی که در مغازه می‌فروشم گران شده بود"، کودک (ش ۱۳) می‌گوید "بعضی اوقات که آشغال جلوی ساختمان‌ها را جمع می‌کنیم ساختمان‌های نیمه ساخته هستند که از ما می‌خواهند آشغال‌های جلوی

ساختمان ها را جمع کنیم وقتی که اشغال های جلوی ساختمان ها را جمع می کنیم ما را گاهی اوقات می زنند یا با ما برخورد درستی ندارند".

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است، اجبار کودکان به انجام بزه توسط باند های خلافکار و یا اوباش است. پیشنهاد های زیادی به کودکان کار در خصوص انجام بزه از قبیل دزدی، تن فروشی، جابجایی مواد مخدر می شود. عامل باز دارنده را در این زمینه می توان ارزش های دینی و اعتقادی دانست که در برخی از خانواده های کودکان وجود دارد. اعتقاد به در آوردن نان حلال و اعتقاد به خدا و آخرت به عنوان مهم ترین مقولات فرعی باز دارنده از بزهکاری توسط کودکان بیان شده است. اما در کنار این عامل، فرصت های تبهکارانه وجود دارد که به عنوان مقوله ای اصلی در پژوهش احصاء شده است که با زیر مقولاتی از جمله: داشتن پیشنهاد هایی برای انجام دادن کار خلاف، تکرار دزدی و خراب کردن آینده خود و دیگران، انجام دادن کار خلاف به خاطر دوستان، وسوسه شدن کودک و انجام دادن دزدی مشخص می شوند.

جدول شماره (۸): آسیب شناسی کار کودک در خیابان به عنوان بزهکاری

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- حاضر نبودن کودک به دزدی - کار بدون مزد انجام دادن کودک اما حاضر به دزدی نبودن - فرار کردن کودک از دزدی - ترس کودک از دزدی - راضی بودن از کار خود و در آوردن نان حلال - قبول نکردن پیشنهاد دزدی - جابجا نکردن مواد به دلیل دیدن آینده پدر خود - نداشتن دوست صمیمی برای همراه شدن با آنها برای کارهای خلاف	پای بندی به ارزش و در آوردن نان حلال	مقوله اصلی
- به یاد خدا بودن - اعتقاد به بدبخت شدن با در آوردن پول دزدی و حرام - اعتقاد داشتن کودک به خدا و دزدی نکردن - اعتقاد داشتن به وجود دنیایی دیگر - اعتقاد داشتن کودک به عذاب کار اشتباه در دنیایی دیگر - حرام دانستن دزدی و پول آن - گناه کردن به خاطر در آوردن پول حرام - دوشست نداشتن دزدی و انجام کار حرام به اعتقاد کودک	اعتقاد داشتن به خدا و زندگی پس از مرگ	حفظ ارزش ها و مقاومت در برابر جرم
- پیشنهاد دادن کشتن به کودک از طرف دوست - داشتن پیشنهاد دزدی از طرف دوستان - داشتن پیشنهاد برای جابه جایی مواد	پیشنهادها و فرصت های انجام جرم	
- یاد گرفتن دزدی و ادامه دادن آن - خراب کردن آینده خود و بچه های خود - گیر افتادن بعد از دزدی و خراب کردن آینده خود - خراب کردن زندگی یک جوان با جابجایی مواد - خراب کردن زندگی خود با دزدی و جابجایی مواد - ضرر کردن در کار با در آوردن پول از راه دزدی - ترس از گیر افتادن در دزدی	چرخه بزهکاری	قرار گرفتن در معرض فرصت های ارتکاب به جرم
- جابجایی مواد به خاطر رفاقت - انجام دادن همه کار کودک برای دوست هایش - نداشتن پول برای تفریح مجبور بودن به دزدی - پشیمان بودن از دزدی - وسوسه شدن کودک در مقابل پیشنهاد دزدی - انجام دادن کار هیجان انگیز مانند آدم ربایی کردن - علاقه مند بودن کودک به انجام آدم ربایی	تأثیر گروه همسالان در ارتکاب به جرم	
- وسوسه و انگیزه های درونی برای ارتکاب به جرم	وسوسه و انگیزه های درونی برای ارتکاب به جرم	

متأسفانه، تعدادی از کودکان توسط باندهای تبهکارانه حمایت می‌شوند و به گونه‌ای که در انجام برخی از مصاحبه‌ها با کودکان کار، سرسته این گروه‌ها مانع انجام مصاحبه با کودکان شدند و پژوهشگر مجبور شد تا مصاحبه را با کودکان دیگر از سر گیرد. در واقع در پژوهش پیشرو حدود ۸ مصاحبه نیمه تمام وجود دارد (۲۸ مصاحبه صورت گرفته است که ۲۰ مورد در داده‌ها تحلیل شده است) پژوهشگر مجبور شده است تا کودکان دیگر را جایگزین کند. کودک پسر (ش ۵) می‌گوید: "من خیلی می‌ترسم که مرا بدزدند، بارها شاهد خودروهایی بودم که به زور می‌خواستند مرا سوار کنند؛ اما تا حالا برایم اتفاق نیفتاده است"، کودک (ش ۱۲) می‌گوید "ماشینی آمد به من گفت بریم پسته دزدی؛ ولی من نرفتم می‌ترسم که مرا بگیرند، اگر من پول حرام در بیاورم بدبخت می‌شوم، پول حرام برای آدم بدبختی می‌آورد. یک بار هم رفتیم یک چرخ معامله بزنیم با چند تا از دوستانم که چند تا ظرف مسی دیدیم که ما آن‌ها را دزدیدیم، چند برابر پول وسایل ظرف‌هایی که دزدیده بودیم ضرر کردم"، کودک (ش ۱۹) می‌گوید: گاهی شرایط زندگی طوری است که مجبورید یک چیزی از مغازه‌ها کش بروی (برداری)، کودک (ش ۲۰) می‌گوید: "یک بار یکی به من گفت که یک بسته‌ای را جابجا کنم و پول خوبی داد، من هم وسوسه شدم. نمی‌دونم در بسته چه بود؛ ولی به نظرم از کارهای خلاف بود".

نتیجه‌گیری

کودکان خیابانی اشخاص زیر ۱۶ سالی هستند که بخش اعظم زندگی خود را در خیابان سپری می‌کنند و در واقع خیابان را نقطه مرجع می‌دانند. به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور، در بیشتر موارد پدیده کودک خیابانی با پدیده کودک کار همراه است. اهمیت توجه به این کودکان این است که به طور طبیعی باید انتظار داشت کودکان خیابانی امروز، بزهکاران فردا باشند و اشخاصی که امروز در شرایط نامناسب اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و فرهنگی رشد می‌کنند، بستر بسیار مناسبی برای بزهکاری آنان در آینده به وجود می‌آید. مطالعات جمع‌آوری شده مربوط به آزار جسمی و روانی کودک نشان داد که بسیاری از کودکان خیابانی در خیابان و خانواده مورد آزار جسمی و روانی قرار گرفته‌اند. کودکان خیابانی کرمان به خانواده‌هایی با شرایط بسیار نامطلوب اجتماعی-اقتصادی تعلق دارند. شرایط نامطلوب اقتصادی، کار کردن کودکان در خیابان، تحمل خشونت، مشکلات ناشی از جدایی والدین، اعتیاد سرپرستان و تلاش برای کسب معاش و تداوم حیات، کودکان را از خانواده‌های آشفته آن‌ها به کار کردن در خیابان سوق می‌دهد. حضور کودکان کار یا به تعبیری دیگر، نان‌آوران کوچک خانواده یک واقعیت غیرقابل انکار بوده که در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری پیدا کرده است. با توجه به این که فقر و مشکلات اقتصادی، از علت اصلی پدیده کار کودک به شمار می‌رود ولی نباید از دیگر عوامل، از قبیل، اعتیاد والدین، تغییر در باورها و ارزش‌های زندگی، بزهکاری، خشونت در خانواده، عدم آگاهی والدین در چگونگی برخورد با کودک و نوجوانان شان و ... در گسترش این پدیده چشمپوشی کرد.

حمایت و حفاظت از اشخاص و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه از طریق راهبردها و راهکارهای اجتماعی، از جمله مهم‌ترین اقدامات مقنن برای حمایت از این اشخاص هست. از جمله این گروه؛ گروه‌های معرض آسیب، کودکان هستند که امروزه و به رغم تمامی تلاش‌های صورت گرفته در عرصه ملی و بین‌المللی و به رغم وجود مقررات خاص بین‌المللی (نظیر کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹م) و نیز قوانین داخلی (نظیر قانون حمایت از اطفال و نوجوان مصوب ۱۳۹۹)، در زمینه حمایت و حفاظت از این اشخاص، کماکان از مهم‌ترین آماج‌های جرم هستند (۱۸). یکی از بارزترین وجوه بزه‌دیدگی کودکان، پدیده‌ای است که امروزه در قالب استثمار و بهره‌کشی از کودکان در آشکال کودکان خیابانی، کودکان کار و ... ظهور و بروز می‌یابد. فارغ از صحت و سقم آمارهای رسمی در خصوص تعداد، سن، جنسیت و ... کودکان کار، واقعیت انکارناپذیر، تعدد، تکرار و تنوع کودکانی است که امروزه با نقض حقوق قانونی خود یا بنا به اقتضات زندگی و به منظور امرار معاش، مجبور به کار کردن هستند یا این که با تهدید، مجبور به کار شده‌اند. بر این اساس پژوهش پیشرو به دنبال آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات پیشروی کودکان کار در شهر کرمان بر اساس تجربه زیسته کودکان کار در این شهر است. دیگر اهداف تحقیق بدین قرار است:

- درک معنایی و تفسیر کودکان کار از عوامل مؤثر بر کار خیابانی
 - آسیب‌شناسی مسائل درمانی و خدمات بهداشتی و پزشکی پیشروی کودکان کار
 - آسیب‌شناسی کار خیابانی به عنوان شروعی برای بزهکاری و جرم در آینده کودک.
- تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت کودکان کار خیابانی بسیار پیچیده و دشوار است. این کودکان در محیط‌های پرتنش و آسیب‌زا زندگی می‌کنند که فشارهای اقتصادی، آسیب‌های روانی، مشکلات بهداشتی و خطرات حقوقی آن‌ها را تهدید می‌کند. این تحقیق تأکید می‌کند که برای بهبود وضعیت این کودکان باید اقدامات فوری انجام گیرد که شامل:

- دسترسی به خدمات بهداشتی برای این کودکان و خانواده‌های آن‌ها
 - تقویت قوانین حمایت از کودکان کار و مقابله با استثمار
 - فرصت‌های آموزشی برای کودکان کار که بتوانند از این وضعیت خارج شوند.
 - پشتیبانی روانی برای کمک به مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی که این کودکان تجربه می‌کنند.
- کودکان کار خیابانی به عنوان قربانیان یک سیستم ناکارآمد و نامتعادل اقتصادی و اجتماعی، نیازمند حمایت و توجه فوری هستند تا بتوانند از این چرخه بی‌پایان فقر، سوء استفاده و تبعیض رها شوند.
- طبق چارچوب مفهومی تحقیق برای درک واقع‌بینانه از مفهوم کودک خیابانی، ویژگی کودکان باید مورد توجه باشد: انگیزه و چگونگی حضور کودکان در خیابان، وضعیت و کنش‌های کودکان در خیابان، مدت زمان حضور کودکان در خیابان و طول مدت زندگی خیابانی، شیوه‌های سرپرستی، مراقبت و نظارت بر کودکان و ... (۱۷). از دیدگاه بیشتر پژوهشگران، علت خیابانی شدن کودکان آسیب‌ها و فقر خانواده است

(۵۲). به همین علت یکی از مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است وضعیت خانوادگی کودکان کار بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا وضعیت خانوادگی خود را شرح دهند. ۶۵ درصد با خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که هر دو والد در خانواده حضور دارند و کار کودک به منظور کمک به خانواده در جهت اقتصادی است. متأسفانه ۴۰ درصد از کودکان کار اظهار داشته‌اند در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که سابقه جرم و زندان در یکی از اعضای خانواده وجود دارد.

از کودکان سؤال پرسیده شد که به چه علت در خیابان هستند؟ یا به بیان دیگر علت حضورشان در خیابان به عنوان کودک کار چیست؟ بر اساس پاسخ‌های ارائه شده مقوله اصلی دغدغه‌های زندگی در فقر که با زیر مقولاتی از جمله: نامساعد بودن شرایط اقتصادی در خانواده، مشکلات خانوادگی کودک، نداشتن شخصی برای حمایت مالی و ترس از آینده‌ای نامعلوم مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حضور ایشان در خیابان است. در نظریه فرهنگ فقر لوئیس^۱ در این زمینه دارای چهار فرضیه اصلی است: فرضیه نخست به بی‌سرپرستی یا رهاشدگی این کودکان توسط خانواده‌هایشان اشاره دارد. فرضیه دوم کودکان خیابانی را به فقر مربوط می‌داند و نتیجه فقر را رهاشدگی منفعلانه می‌داند. از این دیدگاه جبرگرا، خانواده‌های این کودکان دچار نقایص و کمبودهایی هستند که آنان را در انجام تعهدات اخلاقی و روان‌شناختی خود نسبت به کودکشان ناتوان می‌سازد. فرضیه سوم کودکان خیابان را حاصل مهاجرت از روستا به شهر، فقر و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده می‌داند. نتیجه این شرایط و عوامل، فراموش شدگی و به حال خود گذاشتن کودکان به شکل منفعلانه است. در حالات پیچیده‌تر در این فرضیه کودکان خیابانی می‌توانند نتیجه به حاشیه رانده شدن کودکان از خانواده‌های به حاشیه رانده شده باشند. فرضیه چهارم، کودکان خیابانی را بر خواسته از خرده فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف می‌داند.

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده این است که آن‌ها چه توقعی از زندگی دارند؟ یا به بیان دیگر حداقل توقع آن‌ها در زندگی (امیدها و آرزوها) چیست؟ اکثر کودکان زندگی خودشان را بی‌هدف می‌بینند و اصولاً نمی‌دانند چه چیزی برای زندگی مطلوب است. این سخن که "آرزویی در زندگی ندارند" دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد. از پاسخ‌ها مشخص است، دغدغه و آرزوی آن‌ها در شغلی بهتر با درآمد بالاتر خلاصه می‌شود. آن‌ها خود را نه به عنوان کودک بلکه به عنوان بزرگسالی می‌بینند که باید توان برآوردن نیازهای اقتصادی خانواده را داشته باشند انگار که کارکردن در خارج از خانه نه به عنوان کار بلکه به عنوان جزئی اساسی از زندگی آن‌ها برای‌شان معنا دارد.

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است سلامتی کودک کار بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند که آیا به بیماری خاصی مبتلا هستند. ۱۱ نفر از ۲۰ نفری که مورد مصاحبه قرار گرفتند به این موضوع اشاره داشتند که هیچ گونه بیماری خاصی ندارند؛ اما متأسفانه ۹ نفر دیگر، اظهار داشته‌اند که از بیماری‌های زمینه‌ای (از جمله، ضعف عضلانی،

^۱. louise

بیماری‌های گوارشی، نقص عضو، معلولیت و ...) رنج می‌برند. به همین علت در خصوص شرایط استفاده و کیفیت برخورداری از خدمات درمانی و پزشکی از آن‌ها سؤال پرسیده شده است. موانع دسترسی به خدمات درمانی از کودکان کار به عنوان مقوله اصلی که با زیر مقولاتی عدم توانایی مالی درمانی، تبعیض و نابرابری در مراقبت‌ها پزشکی و محدودیت‌های سیستم بهداشت و درمان خصوص بهره‌مندی از خدمات درمانی مشخص می‌کند.

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است، آسیب‌های اجتماعی و روانی کودکان کار در محیط خیابان بوده است. به همین دلیل از مشارکت کنندگان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند برخورد ابران پیاده، صاحب کار آن‌ها، اراذل و اوباش و ... با آن‌ها چگونه بوده و مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و روانی را که تجربه نموده‌اند را شرح دهند. آسیب‌های اجتماعی و روانی کودکان کار به عنوان مقوله اصلی با زیر مقولاتی از جمله: تحقیر و بی‌احترامی به کودک، خشونت فیزیکی و آزار جسمانی و کمبود عاطفه در نبود سرپرست همراه بوده است.

یکی از دیگر مواردی که در این پژوهش مورد توجه بوده است، اجبار کودکان به انجام بزه توسط باند‌های خلاف کار و یا اوباش هست. پیشنهادهای زیادی به کودکان کار در خصوص انجام بزه از قبیل دزدی، تن‌فروشی، جابجایی مواد مخدر می‌شود. عامل بازدارنده را در این زمینه می‌توان ارزش‌های دینی و اعتقادی دانست که در برخی از خانواده‌های کودکان وجود دارد پای‌بندی به ارزش‌های در آوردن نان حلال، اعتقاد داشتن به خدا و زندگی پس از مرگ به عنوان مهم‌ترین مقولات فرعی بازدارنده از بزهکاری توسط کودکان بیان شده است. اما در کنار این عامل، قرار گرفتن در معرض فرصت‌های ارتکاب به جرم وجود دارد که به عنوان مقوله‌ای اصلی در پژوهش احصاء شده است که با زیر مقولاتی از جمله: پیشنهادها و فرصت انجام جرم، چرخه بزهکاری، تأثیر گروه همسالان در ارتکاب به جرم و وسوسه و انگیزه‌های درونی برای ارتکاب به جرم مشخص می‌شوند.

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی ریشه‌های نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، به اندیشه‌های ارگانیسمی اسپنسر^۱ و حتی قدیمی‌تر از آن آرای افلاطون، ارسطو و سنت آگوستین^۲ باز می‌گردد. این نظریه متأثر از انگاره پوزیتیویستی تکامل‌گرایی و ایده ترقی در تفکر داروینیسم اجتماعی و قائل به تشبیه جامعه به بدن موجود زنده است، وضعیت سلامت و بیماری بدنی را با وضعیت جامعه مقایسه می‌کند و معتقد است همان گونه که اگر یکی از اندام‌های بدن کارکرد خود را به درستی انجام ندهد، کل موجود زنده دچار اختلال، بحران و بیماری می‌شوند، در صورتی که یکی از بخش‌های جامعه نیز نتواند کارکرد خود را به درستی ایفا کند، بیماری یا آسیب اجتماعی رخ می‌دهد (۴۹). پدیده کودکان کار یکی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و گسترش آن معلولی از عوامل گوناگون و در هم پیچیده اجتماعی و اقتصادی است و از طرفی خود، مولد

¹. Spencer

². St. Augustine

آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز به شمار می‌رود. در واقع کار کودکان، جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی درخور توجهی را در بر دارد. همچنین در پی آن، صدمه‌های جانی و مالی بالا می‌رود و انواع آسیب‌های اجتماعی شامل، اعتیاد، خرده فروشی مواد مخدر، بزهکاری پیش می‌آید (۳۴).

پیشنهادهای تحقیق

ایجاد شبکه‌های حمایتی اجتماعی: ترویج شبکه‌های حمایتی اجتماعی در داخل جوامع، با استفاده از تجربه‌های موفق دیگر کشورها می‌تواند به عنوان یک مدل مؤثر برای کمک به کودکان کار در ایران عمل کند.

یکی از عوامل مهم در کمک به بهبود وضعیت کودکان کار، آموزش والدین است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فقر و ناآگاهی از حقوق فرزندان‌شان، آن‌ها را به کار و می‌دارند. آموزش والدین در خصوص حقوق کودک و نحوه حمایت از رشد مناسب فرزندان می‌تواند به کاهش تعداد کودکان کار کمک کند.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abekah- Carter, Kwamina; Boateng, Alice. & Dako- Gyeke, Mavis. (2024). Pushed and pulled onto the streets: Perspectives of street children in Accra, Ghana. *Children and Youth Services Review*, 159, 107514. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107514>.
2. Afshani, Alireza; Askari Nodoushan, Abbas; Heidari, Mohammad. & Nourian Najafabadi, Mohammad. (2012). An analysis of the situation of street and working children in Isfahan city. *Applied Sociology*, 23 (4 (48)), P.p: 12–85.
3. Ahmadi, Habib. & Iman, Mohammad Taghi. (2005). Culture of poverty, marginalization, and tendency toward delinquent behavior among marginalized youth in Dehpialeh, Shiraz. *University of Isfahan Journal of Human Sciences Research*, 19 (2), P.p: 99–118.
4. Aptekar, Lewis. (1994). Street children in the developing world: A review of their condition. *Cross-Cultural Research*, 28 (3), P.p: 195–224.
5. Asadpour, Aahdieh. & Azam Azadeh, Mansoura. (2020). Meta- analysis of studies on factors influencing the emergence of working and street children. *Sociology of Social Institutions*, 7 (16), P.p :187–215.
6. Asadpour, Aahdieh; Rayanpour, Razieh. & Esalamnejad Gilvaei, Mona. (2024). Exploring the experiences of street-working children in Tehran during the COVID-19 pandemic. *Health Education and Health Promotion Quarterly*, 12 (3), P.p: 286–303.
7. Azkia, Mustafa; Ahmadresh, Rashid. & Partazian, Kambiz. (2017). *Qualitative research methods: From theory to practice* (Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Keyhan.
8. Bajari, Atwar. & Kuswarno, Engkus. (2020). Violent language in the environment of street children singer-beggars. *Heliyon*, 6 (8), e04664.
9. Bansah, Kenneth Joseph. & Adonteng- Kissi, Obed. (2024). Child labor in artisanal and small-scale mining: Implications for health, development, and poverty. *The Extractive Industries and Society*, 21, 101577. <https://doi.org/10.1016/j.exis.2024.101577>.
10. Bordbar, Sayed Hesamuddin. & Alhavardi, Farhad. (2024). A comparative study of legal response patterns to the phenomenon of child labor in Iranian and U.S. law. *Comparative Law Research Journal*, 8 (1 (Peyapey. 13)), P.p: 7–25.
11. Canti, Lorenzo. (2021). Street children in the developing world: A review of their condition. *Cross- Cultural Research*, 28, P.p :195–224.
12. Deressa, Siyane. & Dessein, Joost. (2024). The worry of the next meal: Food insecurity experiences of street-connected children in Ethiopia. *SSM– Qualitative Research in Health*, 6, 100451. <https://doi.org/10.1016/j.ssmqr.2024.100451>.
13. Ebrahimi, Ehteram; Mohammadi Shirmaleh, fatemeh; Habibi, Mojtaba. & Moradani Hamouleh, Marjan. (2021). Explaining the role of emotional eating in the lived experiences of overweight young Iranian women: A hermeneutic phenomenological study. *Journal of Psychiatric Nursing*, 9 (5), P.p: 26–38.
14. Eskandarinejad, Alireza. (2021). Working children and de-schooled education: A sociological study of the “Sobhe Royesh” school for working children. *Shabak*, 7 (6 (Peyapey. 63)), P.p: 235–242.
15. Flik, Uwe. (2009). *An introduction to qualitative research* (4th ed.). Sage Publications Ltd.
16. Gao, Yunjiao; Atkinson-Sheppard, Sally; Yu, Yanping. & Xiong, Guibin. (2018). A review of the national policies on street children in China. *Children and Youth Services Review*, 93, P.p: 79–87.

17. Ghasemi, Afsaaneh; Roshanfekar, Payam; Mehrabi, Arezoo; Faraji, Bardiya. & Vameghi, Marwae. (2018). Demographic and social characteristics of street children and factors associated with becoming street children (Rapid assessment and evaluation in Kermanshah). *Iranian Studies and Social Research*, 8 (1), P.p: 16–88.
18. Gholami, Nabiollah. (2022). Child labor as a governmental crime: A detailed study on the necessity of a structural response to the phenomenon of child labor. *Family Fiqh and Law*, 27 (76), P.p: 293–312.
19. Guo, Di; Shi, Yishan; Chen, Ruiqi. (2022). Environmental affordances and children's needs: Insights from child-friendly community streets in China. *Frontiers of Architectural Research*.
20. Heidegger, Martin. (1962). *Being and time*. New York: Harper & Row.
21. Heidegger, Martin. (1996). *Being and time* (J. Stambaugh, Trans.; Original work published 1927). State University of New York Press.
22. Hejazi, Seyed Nasser. & Morovati, Rasoul. (2021). Investigating the social factors contributing to the emergence of child labor: A case study of street children aged 5 to 31 years in Kerman city. *The 5th International Conference on Psychology, Educational Sciences, and Social Sciences*, P.p: 1–22.
23. Hosseini, Masoumeh; Pourasadi, Zahra; Keshavarz, Somayyeh. & Kakavand, Alireza. (2020). The effectiveness of compassion-focused therapy on self-esteem, empathy, and forgiveness in working children. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 7 (4), P.p: 181–196.
24. Hosseini (Akhlaq), Seyedhasan. (2005). The situation of working and street children in Iran. *Social Welfare*, 5 (19 [Special Issue: Issues of Children and Adolescents in Iran]), P.p: 155–174. <https://sid.ir/paper/56982/fa>.
25. Hosseini, Seyedhasan. (2005). The situation of working and street children in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 5 (19), P.p: 155–173.
26. Husserl, Edmund. (1983). *Ideas pertaining to a pure phenomenology and to a phenomenological philosophy* (R. Solomon, Trans.). Springer.
27. Imani, Nafiseh. & Nersisians, Emilia. (2012). An anthropological study of the phenomenon of street working children in Karaj city. *Iranian Journal of Social Issues* (Kharazmi University), 3 (1), P.p: 7–32.
28. Khosrowzadeh, Shirin; Heydarhazai, Kambiz; Abdolvand, Mohammad Ali. & Khounsivash, Mohsen. (2021). Phenomenology of perceived value by female shoppers of shopping centers and malls. *Journal of Consumer Behavior Studies*, 8 (3), P.p: 33–56.
29. Lahsaeizadeh, Abdolali. & Ashrafi, Hojjatollah. (2000). Investigating the determinants of child labor (Case study: Kashan County). *Nameh-ye Pazhuhesh-e Farhangi*, 6 (1–2), P.p: 105–135. <https://sid.ir/paper/483901/fa>.
30. Lincoln, Yvonna S. & Guba, Egon. (1985). *Naturalistic inquiry* (Vol. 75). Sage.
31. Mahdour, Elaheh; Choobforoushzadeh, Azadeh; Mohammadpanah Ardakan, Uzra. & Shirvi, Elaheh. (2023). The effectiveness of acceptance and commitment therapy on reducing hopelessness and anxiety in working children in Yazd city. *Scientific-Research Bimonthly of Yazd School of Public Health*, 22 (5 (Peyapey. 101)), P.p: 13–27.
32. Merleau- Ponty, Maurice. (2016). *Phenomenology of perception* (C. Smith, Trans.). Routledge.
33. Miller, Amanda. (2022). Learning while earning: Barriers and pedagogies toward Sustainable Development Goal 4, “quality education” for child street- sellers in Siem Reap, Cambodia. *Child Abuse & Neglect*, 139, 105514.

34. Moghaddas Jafari, Mohammad Hossein; Veys Nejad, Nour Mohammad. & Dorosti, Amir Ali. (2013). Investigation of factors influencing the emergence and expansion of the phenomenon of child labor: A case study of Ahvaz city. *Journal of Social Sciences*, 7 (21), P.p: 55–72.
35. Mohseni Tabrizi, Alireza. (2004). *Vandalism*. Tehran: An Publications.
36. Najafpour, Firuzeh. (2020). Investigating the relationship between family and non-family factors with the work and presence of children in the streets of Kerman city. *The 5th International Conference on New Horizons in Educational Sciences, Psychology, and Social Harms*, 1 (2), P.p: 71–77.
37. Niazi, Mohsen. (2008). *Street children*. Tehran: Samenolhadj Publications. [In Persian]
38. Oonagh, Nazmohammad; Ghorbani, Alireza. & Soorzhei, Muslim. (2023). Sociological study of the phenomenon of child labor (Case study: Child labor in Mehrestan County, Sistan and Baluchestan). *Applied Sociology*, 34 (3), P.p: 65–88.
39. Öncü, Emine; Okay, Elif; Çelik, Yağmur. & Uçar, Kadir. (2024). Youth at work: Exploring the relationship between social status, a history of child labour, and health. *Social Science & Medicine*, 365, 117579. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117579>.
40. Pirkhandan, Parisa; Parvin, Satar. & Siahpour, Fatima. (2021). Typology of child labor and its resulting harms to working children in Tehran city. *Social Work Research Journal*, 8 (25), P.p: 115–158.
41. Polit, Denise F. & Beck, Cheryl Tatano. (2012). *Nursing research: Principles and methods* (9th ed.). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
42. Rezaei, Jamal; Rezaei, Saeed; Ahmadi, Hadi. & Azizi Azizabadi, Farideh. (2015). Sexual abuse and social anxiety disorder in street-working children. *The 2nd National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies*. [No page numbers]
43. Roshanpour, Amin; Roshanfekr, Payam; Moradinezhad, Elham. & Nazari, Vajiheh. (2022). Rapid assessment of the situation of street children and the characteristics of their work (Case study: Khorramabad city). *Iranian Journal of Social Studies*, 15 (14), P.p: 133–154.
44. Saadabadi, Ali Asghar. & Faheri, Fatemeh Sadat. (2020). Pathology of the phenomenon of child labor in Tehran city with a fuzzy approach. *Urban Sociological Studies (Urban Studies)*, 10 (37), P.p: 1–18.
45. Salakhpour, Zainab; Soudani, Mansour; Homaei, Rizvan, & Shahbazi, Masoud. (2023). Comparing the effectiveness of emotion regulation training and compassion-focused therapy on psychological symptoms and risk-taking behavior in working children. *Journal of Behavioral Sciences Research*, 21 (3), P.p: 485–500.
46. Samadi, Shaghayegh; Rahmani Firouzjah, Ali. & Abbasi Esfajir, Ali Asghar. (2023). Evaluation of factors affecting the work activities of child laborers in Sari County. *Razi Journal of Medical Sciences*, 30 (6), P.p: 206–214.
47. Schutz, Alfred. (1967). *The phenomenology of the social world* (G. Walsh & F. Lehnert, Trans.). Northwestern University Press.
48. Silverman, David. (2013). *Doing qualitative research: A practical handbook*.
49. Sotoudeh, Hedayatullah. (2017). *Sociology of social issues in Iran*. Tehran: Nedaye Ariana Publications.
50. Valencia, L. S. & Cromer, B. A. (2000). Sexual activity and other high-risk behavior. *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology*, 13, P.p: 53–64.

-
51. Vameghi, Merve; Dezhman, Masoumeh; Rafiee, Hassan. & Roshanfekar, Payam. (2015). Rapid assessment of the situation of street children in Tehran in 2013: Causes and risks of child labor in the street. *Studies and Social Research in Iran*, 4 (1), P.p: 33–57.
 52. Vameghi, Merve; Rafiee, Hassan; Sajadi, Humira; Rashidian, Arash. (2011). A systematic review of street children studies in the last decade in Iran: Family-related factors and consequences of becoming street children. *Iranian Journal of Social Issues*, 2 (4), P.p: 135–166.
 53. Veale, Angela. & Donà, Giorgia. (2022). Street children and political violence: A socio-demographic analysis of street children in Rwanda. *Child Abuse & Neglect*, 3, P.p: 253–269.
 54. Valencia, Linbee S. & Cromer, Barbara A. (2000). Sexual activity and other high-risk behavior. *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology*, 13, P.p: 53–64.
 55. Vold, Georg. (2008). *Theoretical criminology* (A. Shojaei, Trans.). Tehran: SAMT Publications.
 56. Zarezadeh, Tayebbeh. (2013). Investigating the status of the street children: Challenges and opportunities. *Procedia– Social and Behavioral Sciences*, 84, P.p: 1431–1436. [In Persian]